

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد همه سر به سر تن به کشتن دهیم  
بدین بوم و بر زنده یک تن مباد از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

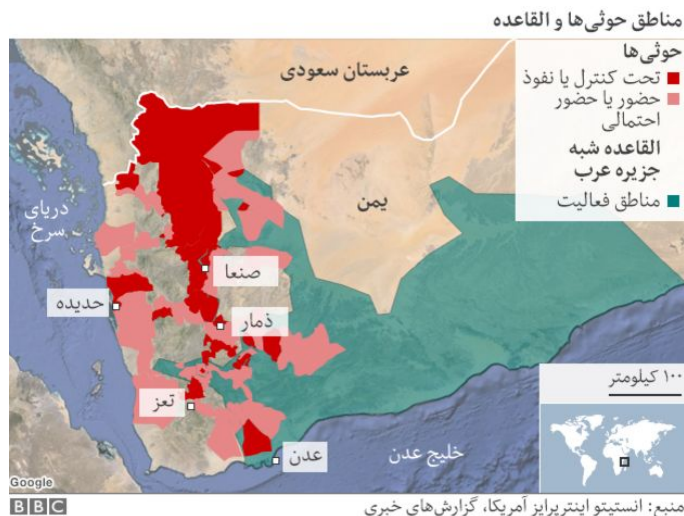
بهرام رحمانی  
۳۰ مارچ ۲۰۱۵

## حمله عربستان و متحدانش به یمن محکوم است!

جنگ داخلی یمن، از یکسو و حمله نظامی عربستان سعودی و متحدانش به یمن را باید محکوم کرد. چرا که این اقدام عربستان، در جوامع بین‌المللی و افکار عمومی مردم ترغیب می‌کند که فردا هر حکومتی با متحدان خود جبهه‌ای سیاسی-نظامی تشکیل دهد و به کشور مورد نظر خود حمله کند که درگیر جنگ داخلی و یا انقلاب است تا طرفداران خود را به قدرت برساند.

با این که یمن کشور فقیری است و حدود ۱۰ میلیون نفر از جمعیت ۲۵ میلیون نفری آن، دچار قحطی و گرسنگی و سوءتغذیه هستند ولی کشمکش‌ها بر سر قدرت، به خاطر موقعیت استراتژیک آن پیامدهای مهمی برای منطقه و امنیت غرب دارد.

موقعیت یمن به خاطر همجواری با تنگه باب‌المندب، آبراه‌ی باریک بین دریای سرخ و خلیج عدن، بسیار استراتژیک است؛ بیش‌تر نفت دنیا از طریق این آبراه حمل می‌شود. نگرانی عربستان سعودی و مصر و متحدان منطقه‌ای و غربی آن‌ها، این است که تسلط کامل حوثی‌ها بر یمن، دسترسی آزاد به این آبراه را مختل کند.



یمن با وجود تغییر مسالمت‌آمیز حکومت در این کشور در سال ۲۰۱۱ میلادی، به ثبات سیاسی و اقتصادی نرسیده است. اعتراضات حوثی‌های شیعه که عمدتاً در مناطق کوهستانی این کشور زندگی می‌کنند، اواسط اگست سال گذشته آغاز شده و تا به حال ادامه دارد.

حوثی‌ها در ماه سپتمبر گذشته توانستند با حمایت برخی از عناصر امنیتی و علی عبدالله صالح، رئیس‌جمهور پیشین، صنعا را تصرف کنند و از آن زمان به بعد تسلط خود بر نواحی مختلف کشور را افزایش داده‌اند. به گفته کارشناسان، این یک پیروزی استراتژیک برای حوثی‌ها در نبرد با نیروهای وفادار به عبدربه منصور هادی به شمار می‌رود.

با نزدیک شدن حوثی‌ها به عدن، عبدربه منصور هادی، رئیس‌جمهوری یمن، از طریق دریا به عربستان گریخت و با استقبال حکومت عربستان قرار گرفت.

یمن ۱۸۰۰ کیلومتر مرز مشترک با عربستان سعودی دارد و روز چهارم فروردین [حمل] ۱۳۹۴، گزارش‌هایی از ارسال جنگ افزار سنگین از سوی عربستان به این مرز منتشر شده بود.

این اقدام عربستان، از حمایت امریکا، مصر، ترکیه و... برخوردار است. امریکا، مدت هاست که با «پهپاد»های خود در جنگ داخلی یمن دخالت دارد. اما حکومت اسلامی ایران که حامی حوثی‌های شیعه یمن است از این اقدام عربستان، سخت برآشفته شده و خواهان توقف حملات نظامی به یمن شده است. در این میان با موضع‌گیری رجب طیب اردوغان رئیس‌جمهوری ترکیه علیه حکومت اسلامی ایران و دخالت آن در جنگ داخلی یمن، به یک دیگری لفظی بین مقامات حکومت اسلامی ایران و ترکیه تبدیل شده است. بنابراین، احتمال این که جنگ یمن به کشورهای دیگر منطقه نیز کشیده شود و بحران تازه‌ای به بحران خاورمیانه بیفزاید دور از انتظار نیست. به خصوص دو رقیب قدرتمند منطقه، یعنی حکومت اسلامی ایران و عربستان سعودی اکنون در جنگ یمن در مقابل هم قرار گرفته‌اند. قبل از این نیز عربستان ایران در جنگ داخلی عراق و سوریه و لبنان نیز شدیداً در رقابت بودند و هنوز هم هستند.

پیش‌تر تحلیل‌های گوناگونی منتشر شده است که ناآرامی‌ها و نبردها در یمن را نوعی جنگ نیابتی میان قدرت‌های منطقه می‌دانند؛ به ویژه میان ایران که حامی حوثی‌ها است و از سوی دیگر عربستان سعودی. خبرگزاری رویترز، در گزارشی گفته بود درگیری‌های یمن خطر شکل‌گیری این جنگ نیابتی را افزایش داده است.

پنج‌شنبه هفته گذشته، رجب طیب اردوغان رئیس‌جمهوری ترکیه، در سخنرانی خود از اقدامات حکومت اسلامی ایران در کشورهای جنگ‌زده خاورمیانه، انتقاد کرده و خواستار خروج نیروهای ایران از کشورهای چون سوریه شده بود که او بعد از این سخنرانی با حملات لفظی برخی از مقامات رژیم ایران مواجه شده بود.

رجب طیب اردوغان، رئیس‌جمهور ترکیه گفته است که اقدامات ایران در منطقه برای ترکیه غیر قابل تحمل است و رژیم اسلامی باید نیروهای خود را از کشورهای چون سوریه، عراق و یمن بیرون بکشد.

حسین شریعتمداری نیز رئیس‌جمهوری ترکیه را مورد حمله لفظی و توهین قرار داده و خواستار لغو سفر وی به تهران شده است.

شریعتمداری، نماینده رهبر خامنه‌ای در روزنامه کیهان، نوشت: «لغو فوری» سفر رجب طیب اردوغان، رئیس‌جمهور ترکیه به ایران، «کم‌ترین اقدامی است» که از وزارت خارجه ایران در واکنش به سخنان روز پنج‌شنبه او انتظار می‌رود.»

شریعتمداری، همچنین رئیس‌جمهور ترکیه را با عباراتی چون «دست نیابتی اسرائیل»، «برده دالره‌های سعودی» و «آچار فرانسه امریکا در منطقه»، توصیف کرده و او را مورد اهانت قرار داده است.

احمد توکل‌ی نماینده مجلس شورای اسلامی ایران و منصور حقیقت‌پور، نایب رئیس کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس نیز خواستار لغو سفر اردوغان به ایران به دلیل اظهارات او شده‌اند.

همچنین علاءالدین بروجردی، رئیس کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس نیز گفت که سخنان آقای اردوغان درباره ایران «به هیچ‌وجه قابل قبول نیست و حتماً مردود است.»

رجب طیب اردوغان در سال گذشته میلادی نیز در دانشگاه مرمره استانبول گفته بود: «من به این رهبر دینی می‌گویم در سوریه ۲۵۰ هزار نفر کشته شده‌اند و سؤال کردم شما چرا در قبال این اتفاق عکس‌العمل نشان نمی‌دهید؟ می‌دانید وی به من چه جوابی داد؟ گفت: تنها کسی که در مقابل اسرائیل ایستادگی می‌کند اسد است. من در مقابل پرسیدم، کسانی که در آنجا کشته شده‌اند. در زمان حمله اسرائیل مقاومت نمی‌کردند؟ آیا تا به امروز اسد از این مردم در مقابل اسرائیل دفاعی انجام داده است؟»

روزنامه‌های ترکیه آخرین دیدار اردوغان با خامنه‌ای را جنجال برانگیز توصیف کرده بودند، زیرا پرچم ترکیه در کنار پرچم ایران نبود

به نظر کارشناسان امور از جمله عارف کسگین از «مرکز تحقیقات ستراتیژیک ترکیه»، اردوغان با بیان این سخنان «تابوی انتقاد از رهبر ایران در ترکیه» را شکسته است.

در این میان صحبت‌های حسین امیرعبداللهیان معاون وزیر امور خارجه ایران و سرلشکر فیروزآبادی رئیس ستاد مشترک ارتش ایران درباره نقش ترکیه در بحران سوریه نیز جنگ لفظی میان دولت‌مردان دو کشور را تشدید کرد. امیرعبداللهیان دولت ترکیه را متهم کرده بود که «در تلاش برای ایجاد دوره عثمانی جدید در منطقه است.» سرلشکر فیروزآبادی نیز پیش از آن گفته بود: «کشور همسایه که نزدیک مرز رسیدن کمک به مردم مظلوم کوبانی است راه را بسته است و از کمک رسانی به آن‌ها جلوگیری می‌کند.»

محمد جواد ظریف وزیر امور خارجه ایران نیز در پی مصوبه مجلس ترکیه برای مشارکت نظامی این کشور در عملیات علیه گروه «دولت اسلامی» در یک تماس تلفنی، به همتای ترک خود نسبت به اقداماتی که «شرایط جاری را پیچیده‌تر کند»، هشدار داده بود.

انتقادهای مقام‌های حکومت اسلامی ایران، از ترکیه بی‌پاسخ نماند. تانگو بیلگیچ سخنگوی وزارت خارجه ترکیه بلافاصله با تکذیب گفته مقام‌های ایران تأکید کرد: «ترکیه در اتخاذ تدابیر مورد نیاز درباره امنیت ملی و در سایه قوانین بین‌المللی نیازمند اجازه گرفتن از کسی نیست.»

بیلگیچ به خبرگزاری آناتولی گفت: «مقامات ایران کمک به ملت سوریه را به اجازه گرفتن از دمشق منوط کرده‌اند، این در حالی است که ترکیه دست یاری خود را به سوری‌هائی که در حالت تأسف‌آوری زندگی می‌کنند دراز کرده و احساس نمی‌کند که نیازمند اجازه گرفتن از نظام دمشق که فاقد مشروعیت است، باشد.» این مقام دولت ترکیه، تأکید کرده بود: «انتظار می‌رود کشوری که حامی این نظام است از روی خجالت دست‌کم در قبال فجایع انسانی که در منطقه روی می‌دهد سکوت پیشه کند.»

ادامه مجادلات لفظی میان مقامات دو کشور پیامدهای منفی اقتصادی نیز ببار آورده است. ایران اخذ عوارض ورود از کامیون‌های ترکیه را آغاز کرد. به دنبال آن وزارت حمل و نقل و ارتباطات ترکیه نیز از ۱۸ مهر ۱۳۹۳ - ۱۰ اکتوبر ۲۰۱۴، اعلام کرد که از تریلرهای ایرانی به هنگام ورود به خاک این کشور براساس «اصل تقابل» ۷۵۰ دالر عوارض ورود دریافت خواهد کرد.

عثمان فاروق لوغ‌اوغلو، معاون دبیرکل حزب جمهوری خلق، بزرگ‌ترین حزب مخالف دولت اردوغان در گفت‌وگو با دویچه وله انتقاد می‌کند که سیاست‌های اردوغان و داووداوغلو در قبال سوریه نادرست است و آن‌ها در امور داخلی سوریه دخالت می‌کنند. وی همچنین خاطر نشان می‌کند که سیاست جمهوری اسلامی ایران در سوریه اشتباه است و این کشور نباید در امور داخلی سوریه دخالت کند.

فاروق لوغ‌اوغلو تأکید می‌کند که دو کشور نباید وارد مجادله لفظی شوند و به همدیگر اتهام بزنند. به نظر او ایران و ترکیه کشورهای مهم منطقه هستند و هر دو کشور بایستی برای مقابله با ترور، تحکیم ثبات و استقرار صلح در منطقه همکاری کنند.

اما به نظر کسگین از مرکز تحقیقات استراتژیک ترکیه، بزرگترین مانع در نزدیکی دو کشور بحران سوریه است. وی درباره انگیزه اصلی انتقاد اردوغان از رهبر دینی ایران چنین می‌گوید: «اردوغان نخستین بار است که از خامنه‌ای انتقاد می‌کند و خواستار تغییر سیاست ایران در سوریه و عراق شده است. چون که ایران بزرگترین مانع عملی شدن سیاست‌های ترکیه در سوریه و عراق است.»

کسگین خاطر نشان می‌کند که انتقاد اردوغان از خامنه‌ای عمق اختلافات دو کشور همسایه را نشان می‌دهد. وی در این رابطه به پی‌آمدهای منفی آن از جمله افت حجم مبادلات تجاری دو کشور اشاره می‌کند. روشن است که همه این دعوها و کشمکش در راستای منافع اقتصادی، سیاسی و نظامی حکومت‌های سرمایه‌داری صورت می‌گیرد و ربطه به منافع و مصالح مردم این کشورها ندارد.

عادل الجبیر، سفیر عربستان سعودی در آمریکا، پنج فروردین ۱۳۹۴، در نشستی مطبوعاتی، که رسانه‌های ایالات متحده آن را «نادر» توصیف کرده‌اند، در واشینگتن، به خبرنگاران گفت سعودی‌ها حملاتی هوایی را آغاز کرده‌اند. به گفته این مقام عربستان سعودی، آن کشور عضو ائتلافی نزدیک به ده کشور است که قصد دارند جلوی پیشروی حوثی‌ها را بگیرند.

سفیر عربستان در واشینگتن، گفته است «ما هر کاری می‌کنیم تا قدرت را به دولت مشروع یمن بازگردانیم.» اشاره این مقام رسمی عربستان سعودی به دولت «عبد ربه هادی منصور»، رئیس جمهوری برکنار شده یمن است، که نخست از صنعا، پایتخت یمن، به عدن و سپس به عربستان رفته و سازمان ملل متحد، همچنان او را به عنوان رئیس دولت یمن به رسمیت می‌شناسد.

عادل الجبیر، اشاره‌ای به نام دیگر کشورهای هائی که در «ائتلاف» برای بازگرداندن قدرت به دولت برکنار شده شرکت دارند، نکرده، اما گفته است نیروهای نظامی امریکا دخالتی در حملات هوایی ندارند.

در عین حال خبرگزاری فرانسه گفته است، عربستان سعودی، قطر، کویت، بحرین و امارات متحده عربی با انتشار بیانیه‌ای اعلام کرده‌اند که «می‌خواهند به درخواست رئیس جمهوری یمن پاسخ مثبت داده و از یمن و مردم‌اش در برابر شبه‌نظامیان حوثی دفاع کنند.»

کاخ سفید نیز می‌گوید امریکا از نزدیک «هماهنگ» با عربستان سعودی و قدرت‌های منطقه در عملیات نظامی آن‌ها علیه شورشیان حوثی در یمن است و برای حمایت از همپیمانان و منافع خود از آن حمایت اطلاعاتی و لجستیکی می‌کند.

«برنات میهان»، سخنگوی شورای امنیت ملی امریکا، در بیانیه‌ای گفته است «رئیس جمهوری اوپاما، اجازه تدارک حمایت لجستیک و اطلاعاتی از عملیات نظامی کشورهای شورای همکاری خلیج فارس را صادر کرده است.» خانم «میهان»، ضمن محکوم کردن آنچه شورشیان حوثی در یمن انجام داده‌اند؛ سرنگونی عبد ربه منصور هادی و دولت در صنعا، می‌گوید واشینگتن از نزدیک با آقای هادی در ارتباط بوده است.

برنات میهان تأکید کرده است که ایالات متحده به طور مستقیم در عملیات نظامی کشورهای عربی در یمن دخالت نمی‌کند. او می‌گوید «ما قویا به حوثی‌ها هشدار می‌دهیم که عملیات نظامی خود را که به بی‌ثباتی می‌انجامد، متوقف کرده و به عنوان بخشی از گفتمان سیاسی، پای میز مذاکره بازگردند.»

به گفته این سخن‌گوی شورای امنیت ملی امریکا، جامعه جهانی هم از طریق شورای امنیت سازمان ملل و هم از طریق دیگر مجامع، اعلام کرده است که سرنگونی خشونت‌بار قدرت در یمن با دست بردن به اسلحه، غیرقابل قبول است. و یک گذار سیاسی مشروع -که مدت‌هاست مردم یمن خواهان آن هستند، تنها از طریق گفت‌وگوهای سیاسی و اجماع تمام احزاب، به دست می‌آید.

این گفته‌ها ساعتی پس از آن مطرح شده که عادل الجبیر، سفیر عربستان سعودی در واشینگتن، در یک نشست خبری گفت نیروهای سعودی برای بازگرداندن قدرت به دولت برکنار شده یمن، دست به عملیات هوایی علیه شورشیان حوثی، زده‌اند.

در کنار این کشور قطر، کویت، بحرین و امارات متحده عربی -اعضای شورای همکاری خلیج فارس منهای عمان- با انتشار بیانیه‌ای اعلام کردند که به درخواست رئیس جمهوری یمن پاسخ مثبت داده و قصد دارند «از یمن و مردم‌اش در برابر شبه‌نظامیان حوثی دفاع کنند».

پیش‌تر رئیس جمهوری فراری یمن، از شش امیرنشین عضو شورای همکاری خلیج فارس، که بخشی از اعضا اتحادیه عرب نیز به حساب می‌آیند، درخواست مداخله در یمن کرده است. سران امیرنشین‌ها گفته‌اند یمن برای این کشورها نیز «خط قرمز» محسوب می‌شود. در حالی که عربستان سعودی از پرزیدنت عبدربه منصور هادی پشتیبانی می‌کند، حکومت اسلامی ایران حامی نیروهای شیعه زیدی «الحوثی» است.

اختلافات سیاسی داخلی یمن، دست گروه‌های تروریستی را باز کرده است. القاعده مقیم شبه جزیره عربستان یمن را اراضی خود اعلام کرده و داعش هم در نواحی جنوبی آن از آخر سال گذشته دست به اقدام زده است. سنی‌های رادیکال هم اینک مسئولیت حمله به دو مسجد زیدی محل عبادت حوثی‌ها را به عهده خود گرفتند. بر اثر منفجر شدن افراد انتحاری ۱۳۰ نفر کشته شدند. تروریست‌ها از حمایت بخشی از اهالی محلی برخوردار نیز برخوردارند.

حوثی، از حمایت نیروهای هوادار علی عبدالله صالح، رئیس جمهوری سابق یمن نیز برخوردار هستند. به این ترتیب، موقعیت در یمن، به سرعت وخیم شده است. این کشور به دو اردوگاه متخاصم تقسیم شده است: یکی هواداران پرزیدنت «عبدربه منصور هادی» در عدن و دیگری در صنعا پایتخت کشور است و در آنجا کمیته گروه «شیعه حوثی»، به ریاست محمد علی الحوثی قدرت را به دست گرفته است.

خلاصه ماجرا این است که حوثی‌ها بعد از ماه‌ها که سرگرم افزایش تسلط خود بودند حالا رسماً قدرت را در دست گرفته‌اند. این گروه پارلمان را منحل کرده و می‌خواهد طبق برنامه، مجلس انتقالی و شورای پنج‌نفره ریاست جمهوری تشکیل دهد که به مدت دو سال قدرت را در دست داشته باشد.

خلاء قدرت ناشی از استعفای رئیس جمهور، نخست وزیر و کابینه که در ماه جنوری و در پی حصر خانگی هادی و بازداشت دیگر شخصیت‌های مهم توسط حوثی‌ها اتفاق افتاد، حوثی‌ها، این خلاء قدرت را پر کردند.

عبدربه منصور هادی، پس از فرار از صنعا به عدن در ماه فبروری ۲۰۱۵، اعلام کرد که هدفش احیای یگانگی کشور است وی به این خاطر همه نیروهای را مورد خطاب قرار داد که علیه دولت قانونی کودتا کردند. او از مخالفان خود که با ایران مناسبات برقرار کردند انتقاد کرد و قاطعانه خواست که طرفداران آن‌ها از وزارتخانه‌ها اخراج شوند و خواستار آن شد که دسته‌های مسلح از حدود شهرهای یمن خارج شوند. او وعده داد کاری کند تا بر فراز بخش شمالی یمن پرچم ملی برافراشته شود در حالی که اکنون بالای آن پرچم ایرانی دیده می‌شود.

منصور هادی، رئیس جمهور مستعفی یمن شهر عدن را پایتخت موقت کشور به جای صنعا، شهر اشغال شده توسط جنبش انصارالله اعلام کرده بود.

هادی پس از تصرف کاخ ریاست جمهوری در صنعا توسط شورشیان حوثی در اواخر ماه جنوری، به پارلمان یمن درخواست استعفا داد و به شهر عدن، زادگاه خود واقع در جنوب کشور گریخت. اما سپس وی درخواست استعفای خود را پس گرفته و اعلام کرد که اقدام به اداره امور کشور از عدن می‌کند.

به گزارش خبرگزاری DPA، هادی طی پیام تلویزیونی خود که از طریق تلویزیون دولتی یمن پخش شد، اعلام کرد: «عدن مرکز اقتصادی و پایتخت موقت است. این اقدام به منظور دفاع از نهادهای حکومتی کشور صورت گرفته است.»

با این حال در شهر عدن نیز درگیری‌هایی میان نیروهای امنیتی هوادار رئیس جمهور و شورشیان حوثی آغاز شده است.

اما نیروهای حوثی، همچنان به حملات خود به سوی عدن ادامه دادند و با تسخیر «تعز» شهر سوم یمن، به این شهر که هادی در آن مخفی شده بود، نزدیک شدند.

گروه «انصارالله یمن» که شاخه نظامی نیروهای «الحوثی» است، برای دستگیر کردن پرزیدنت منصور هادی جایزه نقدی تعیین کرد. انصارالله یمن، قیمت اندکی تعیین کرده که معادل تنها ۹۰ هزار دلار امریکاست. یمن یکی از فقیرترین کشورهای جهان از نظر اقتصادی است. پرزیدنت منصور هادی از ماه گذشته که نیروهای «الحوثی» بر بخش‌های مهمی از پایتخت صنعا، مسلط شدند، به شهر جنوبی عدن رفته است.

حوثی‌ها، مردمی با مذهب زیدی، که شاخه‌ای از مذهب شیعه است. اما در برابرشان، در بخش جنوبی یمن، ائتلافی از القاعده و دیگر گروه‌های مسلح سنی قرار گرفته که قصد کوتاه آمدن ندارد.

آن‌ها از یکی از فرقه‌های مذهب تشیع به نام «زیدی» پیروی می‌کنند. زیدی‌ها حدود یک‌سوم جمعیت یمن را تشکیل می‌دهند و به مدت ۱۰۰۰ سال در قالب یک امامت تا سال ۱۹۶۲ بر یمن شمالی حکمرانی می‌کردند.

عبدالملک الحوثی رهبر ۳۶ ساله حوثی‌ها که جانشین برادرش شده، و هوادارانش از او با عنوان «سید» نام می‌برند، در یک سال اخیر بارها گفته است که «قیام انصارالله» علیه فساد مقامات و دخالت بیگانگان است.

وجود فساد دولتی در یمن موضوعی پنهان نیست. سازمان بین‌المللی شفافیت در گزارش سال ۲۰۱۴ خود، یمن را در جایگاه ۱۶۱ شاخص فساد قرار داد و گفت که وضعیت این کشور پس از سقوط صالح بدتر شده است. در یک سال اخیر، بخشی از اقبال عمومی نسبت به حوثی‌ها ناشی از رویگردانی مردم از ریاست جمهوری هادی و تحقق نیافتن وعده‌های انقلاب ۲۰۱۱ محسوب شده است.

گزارش‌های کارشناسی نشان می‌دهد که ذخایر محدود نفت یمن تا سال ۲۰۲۰ تمام خواهد شد و این کشور ۲۵ میلیون نفری درگیر با بحران آب، آینده‌ای تاریک در پیش دارد.

تقریباً همه گروه‌های سیاسی در یمن قبول دارند که این کشور بدون کمک‌های بین‌المللی و منطقه‌ای، وضعیتی به مراتب بدتر خواهد داشت.

در کشوری که در آن به ازای هر شهروند بیش از یک قبضه سلاح وجود دارد و هر کس می‌تواند به راحتی اسلحه بخرد، چرا حوثی‌ها از نظر نظامی دست بالا را دارند؟ آیا تسلیحات خاصی از حکومت اسلامی ایران دریافت می‌کنند؟ یمن از سال‌ها قبل در مسیر ترانزیت اسلحه به شاخ آفریقا بوده و شماری از شهروندان این کشور در قاچاق سلاح دست داشته‌اند.

یکی از شاخص‌ترین قاچاقچیان بین‌المللی اسلحه که از سال ۲۰۱۰ در فهرست تحریم سازمان ملل متحد قرار گرفته، «فارس مناع»، از چهره‌های برجسته حوثی‌هاست. از زمان آغاز ناآرامی‌هایی که منجر به سقوط حکومت علی عبدالله صالح شد، مناع در چهار سال اخیر استاندار صعده بوده است.

اطلاع دقیقی از حجم ثروت یا ذخایر تسلیحاتی افرادی نظیر مناع در دست نیست، اما به نظر می‌رسد که این افراد نقشی فراتر از کشورهای منطقه در تأمین لجستیکی گروه‌های مسلح داشته باشند.

آن‌طور که در برخی گزارش‌ها آمده، در شهرهای بزرگ یمن علیه حوثی‌ها تظاهرات گسترده برپا شده است. در و دیوار صنعا پر است از شعار حوثی‌ها. شعاری که برگرفته از شعارهای حکومت اسلامی ایران است: «الله اکبر، مرگ بر امریکا، مرگ بر اسرائیل، نفرین خدا بر یهودیان، و اسلام پیروز است».

حوثی‌ها نهادی به نام کمیته انقلابی ایجاد کرده‌اند که عملاً نقش دولت را بازی می‌کند. ادعای کمیته انقلابی این است که می‌خواهد با فساد مبارزه کند.

حوثی‌ها به هیچ‌وجه به سیاست امریکا در یمن و یا استفاده از پهپادهای امریکائی در درگیری‌های این کشور علاقه‌ای ندارند. امریکا از مدت‌ها پیش در چهارچوب مبارزه گسترده خود با تروریسم در سطح منطقه، مشغول آموزش نیروهای امنیتی و ارتش یمن بوده است و پرزیدنت اوباما چندی پیش آن را یک «الگوی» موفق توصیف کرد. شاید چنین ارزیابی درست باشد ولی با در نظر گرفتن حوادث ماه‌های اخیر می‌توان گفت که این «الگو» هنوز به چندان موفقیتی نرسیده است.

یکی از دو برادری که در اوایل جنوری به دفاتر شارلی ابدو در پاریس حمله کردند، در سال ۲۰۱۱، زیر نظر این گروه در یمن آموزش دیده بود و القاعده مسئولیت این حمله را به عهده گرفت. در نتیجه، برای دولت اوباما، یمن دارای منافع امنیتی شدیدی است، دولتی که از سال ۲۰۰۸، بیش از ۱۰۰ حمله برضد اعضای القاعده انجام داده که منجر به کشته شدن ۸۰۰ جنگجو و ده‌ها شهروند شده است.

از جمله افراد کشته شده، انور الاولاکی، شیخ مسلمان متولد امریکا و مسئول تبلیغات این گروه بود که در حمله پهپاد امریکا در سال ۲۰۱۱ جان خود را از دست داد.

امریکا نگران است که به دست آوردن اطلاعاتی که برای عملیاتی کردن مبارزه خود از طریق سوءقصد بدان اعتماد کرده، اکنون در بحبوحه شورش یمن، دشوارتر شده است، اگرچه در ۲۶ جنوری یک پهپاد امریکائی مشکوک در حمله به سه نفر مرد سرنشین اتومبیلی در نزدیکی منطقه مرزی میان مریب و شبوا، در قلب محل استقرار القاعده در این کشور کشته شدند.

عربستان سعودی برای حفظ قدرت و برتری اکثریت سنی مذهب جمعیت یمن بر اقلیت شیعه تاکنون میلیاردها دالر هزینه کرده است.

شیعیان حوثی یمن از حکومت ایران کمک دریافت می‌کنند و قدرت‌گیری قابل ملاحظه آن‌ها نشان می‌دهد که هیچ راهبردی در یمن بدون در نظر گرفتن ایران به نتیجه نخواهد رسید.

تا سال ۱۹۹۰، یمن به دو بخش شمالی و جنوبی و دو کشور کاملاً مستقل تقسیم‌شده بود. مثل هر چیز دیگری در یمن، اتحاد و یکپارچگی این کشور بسیار سست و ضعیف است.

یکی از مهم‌ترین دلایل درگیر شدن شیعیان حوثی با حکومت مرکزی عدم پذیرش تقسیم قدرت سیاسی و یک آینده فراگیر برای تمام یمنی‌ها از سوی دولت عبدربه منصور الهادی بود.

دولت هادی در حال بررسی اصلاحاتی در قانون اساسی کشور بود تا یک سیستم فدرال را برقرار کند. او طرفدار ایجاد شش منطقه فدرال بود ولی شیعیان حوثی می‌خواستند که فقط دو منطقه فدرال ایجاد شود. و مهم‌ترین موضوع مورد اختلاف نحوه تقسیم درآمد یمن از بخش انرژی بود.

شیعیان حوثی در خیزش ۲۰۱۱، که حکومت علی عبدالله صالح را ساقط کرد شرکت کردند. هر چند امروزه صالح از حوثی‌ها حمایت می‌کند. شیعیان در عین حال با حکومت انتقالی که پس از آن به قدرت رسید نیز مخالفت کرده و باعث سقوط آن شدند.

انتخابات پارلمانی در یمن، آخرین بار در سال ۲۰۰۳ میلادی برگزار شد و برگزاری انتخابات ریاست جمهوری نیز سال‌هاست به تعویق افتاده است. حتی برگزاری انتخابات و گام‌های ساده دیگری مثل آن، می‌توان بخشی از مشکلات امروزی یمن را حل کند. اما این کشور برای برداشتن چنین گام‌هایی به کمک نیاز دارد.

سفر اخیر باراک اوباما در راس یک هیئت عالی‌رتبه از هر دو حزب آمریکا به ریاض، که پس از درگذشت ملک عبدالله انجام شد، نه تنها یک اقدام نمادین مهم بود، بلکه فرصت مناسبی فراهم کرد تا او با ملک سلمان پادشاه جدید عربستان در مورد اوضاع یمن گفتگو کند.

بخش اعظم کمک‌های آمریکا به یمن، نظامی است. در حالی که این کشور بیش از همه به آن نیاز دارد کمک‌های اقتصادی است. اقتصاد یمن در حالت فلج کامل است، مجبور است ۹۰ درصد مواد غذایی را از خارج وارد کند و با مشکل شدید کم‌آبی هم روبه‌رو است.

حوثی‌ها، نام خود را از حسین بدرالدین الحوثی می‌گیرند. او رهبری گروه را در جریان اولین قیام در سال ۲۰۰۴ بر عهده داشت. خواسته آن‌ها خودمختاری بیشتر برای مرکز اصلی خود در استان صعده و محافظت از رسوم فرهنگی و مذهب زیدیه در برابر آنچه نفوذ اسلام‌گرایان سنی می‌خواندند بود.

بعد از کشته‌شدن الحوثی توسط ارتش یمن در اواخر سال ۲۰۰۴، خانواده او مطالبات را ادامه دادند و پنج قیام دیگر را تا امضای قرارداد آتش‌بس با دولت در سال ۲۰۱۰ رهبری کردند.

جنبش سیاسی حوثی‌ها از سال ۲۰۰۴ به ریاست حسین بدرالدین الحوثی و در مخالفت مستقیم با ائتلاف علی عبدالله صالح با آمریکا در «جنگ علیه تروریسم» به راه افتاد. حسین در نخستین رویارویی مسلحانه با نیروهای دولتی در سال ۲۰۰۴، در کوه‌های صعده کشته شد و جسدش در سال ۲۰۱۳ در مراسمی بزرگی در همان منطقه دفن شد.

حسین الحوثی، پیش‌تر در دهه ۱۹۹۰ نماینده پارلمان یمن بود، اما با آغاز مخالفت‌های علنی با دولت، در پایان این دهه از راه‌یابی به مجلس بازماند و همراه پدرش که شخصیت عالی‌رتبه مذهب زیدی بود به ایران رفت.

مخالفان می‌گویند او در زمان سکونت در ایران به «شیعه دوازده امامی» گروید، اما حوثی‌ها این ادعا را رد می‌کنند.

شیعیان زیدی که قرن‌ها در نیمه شمالی یمن زندگی کرده و اغلب حاکمیت محلی را در دست داشته‌اند در برخی زمینه‌های فقهی متفاوتی از همتایان دوازده امامی خود عمل می‌کنند. از جمله این که زیدی‌ها به خلافت صحابه پیامبر در دوران پیش از علی امام اول شیعیان اعتقاد دارند و معتقد به بازگشت مهدی نیستند.

همچنین بنا به شواهد تاریخی، مراسم مذهبی شیعیان دوازده امامی نظیر ولادت پیامبر اسلام یا عزاداری عاشورا جایی در زیدیه یمن نداشته است. اما حوثی‌ها در سه سال اخیر در اقدامی که نمایش قدرت آن‌ها ارزیابی می‌شود این مراسم را به شکلی با «شکوه» برگزار می‌کنند و این موضوع به افزایش اتهام‌ها درباره نقش ایران منجر شده است.

در سال ۲۰۱۱، حوثی‌ها هم به اعتراضات علیه صالح پیوستند و با استفاده از خلاء قدرت تسلط خود بر استان صعده و استان هم‌جوار آن یعنی عمران را افزایش دادند.

آن‌ها متعاقباً در «کنفرانس گفتگوی ملی» شرکت کردند. هادی در خاتمه این کنفرانس در فبروری ۲۰۱۴، اعلام کرد که یمن قرار است طبق برنامه به شش منطقه فدرال تقسیم شود.

حکومت صالح و حوثی‌ها در خلال سال‌های ۲۰۰۴ تا ۲۰۱۰، شش بار رویارویی مسلحانه داشته‌اند، اما این باعث نمی‌شود که ائتلاف آنها امری نامحتمل باشد.



در یمن نقل است که علی عبدالله صالح زمانی راز زمامداری طولانی خود را «رقصیدن با مارهای مختلف» خوانده بود که کنایه‌ای است به معامله کردن او با قبایل متعدد، ائتلاف با یک یا چند قبیله علیه دیگری، و تغییر دائم ائتلاف‌ها. صالح که شش بار با حوثی‌ها جنگید پیشینه خانوادگی‌اش به قبیله‌ای از شیعیان زیدی در شمال صنعا می‌رسد. او هنگامی که در اواخر دهه ۱۹۷۰ قدرت را تصاحب کرد، ائتلافی با کنفدراسیون قبایل حاشد تشکیل داد که عمدتاً زیدی بودند اما ریاست این مجموعه قبایل به قبیله سنی (شافعی) احمر سپرده شد.

بنا به همین فرمول تقسیم قدرت، شیخ عبدالله الاحمر رئیس قبیله احمر تا پیش از مرگ برای مدتی طولانی ریاست پارلمان یمن را به عهده داشت و پسرانش تا همین اواخر مقام‌های کلیدی را در دست داشتند.

از سپتامبر ۲۰۱۴ که حوثی‌ها کنترل صنعا را به دست گرفتند و به ویژه از زمان استعفای رئیس جمهوری و دولت یمن در جنوری ۲۰۱۵، اتهامات علیه حکومت اسلامی ایران مبنی بر حمایت از حوثی‌ها در رسانه‌های عرب افزایش چشمگیری یافته است.

حوثی‌ها در سه سال اخیر، در اقدامی که نمایش قدرت آن‌ها ارزیابی می‌شود مراسم عاشورا و تولد پیامبر اسلام را به شکلی با «شکوه» برگزار می‌کنند که در سنت زیدی‌های یمن سابقه نداشته است.

در روز ۲۲ جنوری و همزمان با کنارگیری دولت یمن در اعتراض به عملکرد انصارالله در صنعا، خانم توکل کرمان، برنده جایزه نوبل صلح و یکی از اصلی‌ترین مخالفان حوثی‌ها به شبکه الجزیره گفت: «یمن از طریق پیکارجویان حوثی تحت اشغال حکومت ایران است.»

از زمان قدرت گرفتن حوثی‌ها، خانم کرمان و طیف وسیعی از تحلیل‌گران جهان عرب، ایران را به دست داشتن در ناآرامی‌های یمن متهم کرده‌اند.

بسیاری از شخصیت‌های طراز اول حوثی در دو دهه اخیر به دعوت ایران سفرهایی به تهران برای حضور در کنفرانس‌های تبلیغاتی مربوط به مسایل منطقه داشته‌اند. به همین دلیل، درک آن‌ها از مسایل ایران عمدتاً همان تبلیغاتی است که مقام‌های حکومت اسلامی عرضه می‌کنند.

با این حال، اعضای کمیته سیاسی انصارالله در یک سال اخیر آگاهانه سعی کرده‌اند در مجامع عمومی تقریباً هیچ اظهارنظری درباره حکومت ایران نکنند.

حتی عبدالملک الحوثی رهبر این گروه که در یک سال اخیر از اقامتگاهش در صعده سخنرانی‌های طولانی و آتشی‌نی عیله مقامات یمنی انجام داده هیچ اشاره‌ای به ایران نداشته است.

اما شماری از مقام‌های حکومت اسلامی ایران، با حضور در شبکه‌های عرب زبان متعلق و یا متمایل به حکومت ایران (العالم، المنار، المیادین)، به مناسبت‌های مختلف پیشروی حوثی‌ها در یمن را «امتداد محور مقاومت» دانسته‌اند.

به گفته زید العلیا، روزنامه‌نگار ساکن صنعا، اظهارات «تحریک‌آمیز افرادی نظیر محمد صادق حسینی، تحلیل‌گر ایرانی و عرب زبان شبکه‌های تلویزیونی، «باعث شده تا چهره حوثی‌ها در افکار عمومی یمن بیش از پیش وابسته به تهران مجسم شود.»

حسینی در چند ماه اخیر، بارها گفته است که پیشروی حوثی‌ها در یمن، «امتداد محور مقاومت از ضاحیه بیروت، تا دمشق، بغداد، تهران، و تنگه باب‌المندب» در جنوب شبه جزیره عرب است.

اخیراً برخی وبسایت‌های خبری در یمن گزارش دادند که مقامات سومالی یک کشتی ایرانی حامل سلاح را توقیف کرده‌اند که عازم یمن بوده تا به حوثی‌ها «تسلیحات سنگین» برساند.

در سال ۲۰۱۳، مقام‌های دولت یمن از توقیف دو کشتی «ایرانی» به نام‌های «جیهان یک و دو» در آب‌های جنوب این کشور خبر دادند که «حامل سلاح و مهمات» بوده است.

عبد ربه منصور هادی، رئیس جمهوری پیشین یمن و ابوبکر القربی، وزیر امور خارجه اسبق توقیف این کشتی‌ها را تأیید و حکومت اسلامی ایران را به ارسال سلاح برای حوثی‌ها متهم کردند.

گاه رسانه‌ها و مقامات محلی از توقیف «اعضای سپاه پاسداران» هم در این شناورها سخن گفتند، اما هیچ‌وقت اسم یا تصویر چنین افرادی منتشر نشد.

زید العلابا، روزنامه‌نگار ساکن صنعا، با تأیید این اتهام‌ها می‌گوید: «در سپتامبر ۲۰۱۴ که حوثی‌ها صنعا را گرفتند با فشار بر اداره امنیت ملی توانستند ایرانیان بازداشت‌شده را آزاد کنند و آن‌ها به ایران برگشتند.» مخالفان حوثی‌ها گاه برای آن که نشان دهند این گروه از شبه‌نظامیان زیدی از حمایت ایران برخوردارند به تصاویر آیت‌الله خمینی، آیت‌الله خامنه‌ای و حسن نصرالله دبیرکل حزب الله لبنان، اشاره می‌کنند که در برخی دفاتر حوثی‌ها موجود است.

برای یافتن سرچشمه قدرت‌یابی حوثی‌ها در تحولات اخیر باید با نگاهی تاریخی به عوامل سیاسی و فرهنگی این کشور، شیوه به قدرت رسیدن گروه‌ها و قبایل یمنی را بررسی کرد.

کمک‌های مالی و لجستیکی حکومت اسلامی ایران به شورشیان الحوثی در یمن و ارسال اسلحه و پول برای آن‌ها و تشنجات فعلی این کشور که مردم آن در نهایت فقر به سر می‌برند و آمده پذیرش هرگونه عملیاتی حتی آدم‌کشی هستند. نشریه «اشپیگل» با تفسیری درباره یمن، نقش حکومت اسلامی ایران را در این کشور زیر زرهین برده است. این نشریه زیر عنوان «فروپاشی فقیرترین کشور عربی» می‌نویسد، در یمن همه با یکدیگر می‌جنگند. کشوری که رومی‌ها در دو هزار سال پیش آن را «آعراب خوشبخت» می‌نامید اکنون تبدیل به خانه فقرای خاور نزدیک شده است. در این کشور که بیش از ۱۰ میلیون گرسنه دارد، گروه‌های مختلف اسلامی تروریست با یکدیگر می‌جنگد، ایران از این فرصت طلایی برای نفوذ خود در منطقه استفاده کرده با ارسال اسلحه و پول برای شیعیان بخش عظیمی از این کشور را تصرف کرده است.

در تفسیر نشریه «اشپیگل»، آمده است، طبق آمار موجود سازمان‌های جهانی، هر فرد یمنی حداقل یک قبضه اسلحه دارد. در این آمار کودکان شیرخوار و پیران نیز به حساب آمده‌اند. بنابراین مردم این کشور تنها چیزی که دارند اسلحه است که اکثراً کهنه هستند و حکومت اسلامی ایران با دادن اسلحه مدرن به آن‌ها احساسات و غرور الحوثی را برانگیخته است. ایران یمنی‌های شیعه را با پول و اسلحه حمایت می‌کند، به آن‌ها آموزش نظامی می‌دهد و مشاورین نظامی حکومت اسلامی ایران مدت‌هاست بین آن‌ها هستند.

اشپیگل، به نقل «سعد ال فیصل» وزیر امور خارجه عربستان سعودی می‌نویسد، کشورهای عربی منطقه خود را آماده مبارزه با نفوذ ایران در منطقه می‌کنند، اعراب می‌گویند، آبرو و اعتبار آن‌ها در خطر است. در واقع اعراب اول مشکل ایران و سپس جلوگیری از خطرات شبه نظامیان گروه‌های مختلف در یمن دارند. الحوثی‌ها تنها شبه‌نظامیان یمن نیستند که می‌خواهند در این کشور حکومت کنند، گروه تروریست القاعده و شبکه‌های دیگرش از ۱۵ سال پیش در این کشور فعال هستند. «داعش»، از اواخر سال ۲۰۱۴ به تروریست‌های حاضر در یمن اضافه شده است. امریکا اسلحه و تجهیزات نظامی مدرن به ارزش ۵۰۰ میلیون دلار در اختیار ارتش یمن گذاشت که همه ناپدید شده‌اند و مشخص نیست به دست الحوثی‌ها و یا تروریست‌های دیگر افتاده است. در هر حال حکومت اسلامی ایران، در آینده در یمن با مشکل بیش‌تری روبه‌رو خواهد شد که ارسال اسلحه و پول بیش‌تری را دربر می‌گیرد. ایران باید پول زیاد به الحوثی‌ها و زایتی‌های شیعه طرفداران خود بپردازد تا آن‌ها در آینده نزدیک بتوانند در جبهه دیگری، یعنی در مقابله با نظامیان سنی کشورهای عربی خلیج فارس نیز بجنگند.

سران اتحادیه عرب روز یکشنبه ۲۹-۰۳-۲۰۱۵، در بیانیه پایانی ۲۶مین نشست خود در شرم‌الشیخ مصر، بر ضرورت تشکیل نیروی مشترک عربی تأکید کردند.

در این بیانیه، سران اتحادیه عرب ضمن حمایت از عملیات «توفان قاطعیت» علیه حوثی‌ها، خواستار خروج آن‌ها از صنعا و تسلیم سلاح‌های این گروه شد.

اعضای اتحادیه عرب درباره بحران سوریه، درگیری‌های داخلی لیبی، مسأله فلسطین اختلافات امارات با ایران درباره مالکیت جزایر سه گانه «طنب الاکبر، طنب الاصغر و ابوموسی» بحث و گفت‌وگو کردند.

ضرورت تشکیل یک نیروی نظامی مشترک عربی بر اساس عضویت داوطلبانه هر کدام از اعضای این اتحادیه یکی از بحث‌های محوری در این نشست بود.

در بیانیه آمده است که هدف از تشکیل این نیروی نظامی مشترک، رویارویی با چالش‌ها و خطراتی است که امنیت و ثبات جهان عرب را تهدید می‌کند.

در بیانیه پایانی، همچنین بر ضرورت پاسخ فوری به دعوت عبدالرحمن منصور هادی رئیس‌جمهور یمن برای برگزاری کنفرانسی در سعودی در چارچوب راهکار شورای همکاری خلیج تأکید شد.

عراق، ضمن مخالفت با هرگونه عملیات نظامی با تشکیل نیروی نظامی مشترک عربی نیز مخالفت کرد.

لبنان نیز اعلام کرد که بر هر تصمیمی که اتحادیه عرب و اکثریت کشورهای عربی اتخاذ می‌کنند پایبند خواهد بود.

درباره بحران لیبی، سران اتحادیه عرب از شورای امنیت خواستند که به تحریم تسلیحاتی لیبی پایان دهد. آن‌ها همچنین از دولت قانونی لیبی و ارتش ملی این کشور حمایت کردند.

اما درباره بحران سوریه سرات اتحادیه عرب از شورای امنیت سازمان ملل خواستند که به مسولیت‌های خود در برابر بحران سوریه عمل کند.

اتحادیه عرب، بر ضرورت همکاری رهبران کشورهای عربی با سازمان ملل در رابطه با مسأله سوریه و ایجاد راه حلی مسالمت‌آمیز بر اساس کنفرانس ژنو که بر برکناری بشار اسد استوار است، تأکید کردند.

درباره فلسطین نیز سران کشورهای عربی بر تأمین بودجه دولت فلسطین و حمایت از عملی شدن طرح قانونی و مشروع تشکیل دولت فلسطین تأکید کردند.

سران اتحادیه عرب، بر حق حاکمیت مطلق امارات متحده عربی بر سه جزیره «طنب الاکبر، طنب الاصغر و ابوموسی» تأکید کرده و از ایران خواستند که برای ایجاد راه حلی مسالمت‌آمیز به مذاکرات مستقیم با امارات متحده عربی بپردازد در غیر این صورت امارات ناچار است که این مسأله را در دیوان بین‌المللی لاهه حل و فصل کند.

نبیل عربی، دبیرکل اتحادیه عرب گفته است که حملات ائتلاف به رهبری عربستان سعودی علیه حوثی‌ها در یمن تا زمانی که این گروه سلاح‌های خود را تسلیم نکند و از مناطقی که اشغال کرده عقب‌نروند ادامه خواهد یافت.

عربی این سخنان را امروز یکشنبه ۲۹ مارچ ۲۰۱۵ - ۹ فروردین ۱۳۹۴ و در آغاز دومین روز از اجلاس سران اتحادیه عرب در شرم‌الشیخ مصر بیان کرد.

دیشب حملات هوایی علیه حوثی‌ها در یمن برای چهارمین شب پیاپی ادامه یافت و از جمله باند پرواز یک پایگاه هوایی نظامی در نزدیکی فرودگاه بین‌المللی صنعا مورد حمله قرار گرفت.

خبرگزاری رویترز به نقل از ریاض یاسین، وزیر خارجه یمن، که به همراه رئیس‌جمهوری از کشور گریخته گزارش کرده است که این حملات هوایی نظامی «باعث توقف ادامه خط هوایی ایجاد شده از ایران به این کشور شده است.... دستکم دو پرواز روزانه که آن‌ها (حوثی‌ها) را با قطعات نظامی تجهیز می‌کند.»

همزمان عبدربه منصور هادی، رئیس جمهور یمن، احمدعلی عبدالله صالح (پسر علی عبدالله صالح، رئیس جمهور پیشین) را از سمت سفیر این کشور در امارات خلع کرده است. گفته می‌شود که نیروهای وفادار به صالح در کنار حوثی‌ها می‌جنگند.

روز شنبه، ملک سلمان، پادشاه عربستان گفت که حملات علیه حوثی‌ها را تا خنثی شدن «کودتا» در یمن ادامه خواهد داد.

به گزارش العربیه به نقل از منابع نظامی سعودی، در بمباران صبح یکشنبه ۲۹ مارچ، پادگان «کهلان» یکی از بزرگترین پادگان‌های نظامی ارتش یمن که اخیراً به دست حوثی‌ها افتاده بود مورد حمله جنگنده‌های ائتلاف حمایت از مشروعیت دولت یمن قرار گرفت و کاملاً ویران شد.

طبق این گزارش حوثی‌ها پیش‌تر فرمانده این پادگان را برکنار کرده و یکی از اعضای خود را برای فرماندهی آن منصوب کردند.

منابع نظامی می‌گویند در چهارمین روز از ادامه عملیات «توفان قاطعیت»، جنگنده‌های سعودی به اهداف از پیش تعیین شده در سطح نظامی- استراتژیکی به خصوص در زمینه منهدم کردن موشک‌های بالستیک و نابودی انبارهای اسلحه حوثی‌ها، دست یافتند. جنگنده‌های سعودی، استان‌های مآرب، ابین، و همچنین لشکر ۶۵ پدافند هوایی را نیز بمباران کردند.

از کشورهای عربی منطقه ائتلافی با شرکت ۱۰ کشور تشکیل شد که این کشورها متعهد شدند در عملیات علیه حوثی‌ها شرکت کنند. کشورهای امریکا، بریتانیا، فرانسه از سعودی حمایت کردند.

پادشاهی سعودی ۱۵۰ هزار سرباز و ۱۰۰ فروند هواپیمای جنگی، امارات متحده عربی ۳۰ فروند هواپیمای جنگی، بحرین و کویت هر کدام ۱۵ جت جنگی و قطر ۱۰ فروند جت جنگی خود را در این ائتلاف به خدمت گرفته‌اند.

اردن و سودان و ترکیه و پاکستان نیز تأیید کردند که از این ائتلاف حمایت می‌کنند. سخن‌گوی عملیات ائتلاف گفت، حملات هوایی به رهبری سعودی به مواضع شورشیان حوثی «موفقیت‌آمیز» بوده است. او افزود، حملات تا رسیدن به «اهداف» ادامه خواهد یافت.

منطقه یمن در سال ۱۷۵۰، در قلمروی حکومت عثمانی قرار گرفت. با سقوط امپراتوری عثمانی در پایان جنگ جهانی اول، یمن به سرپرستی بریتانیا درآمد و در سال ۱۹۲۲ به استقلال دست یافت. در گذشته حکومت یمن در دست امیری ملقب به «امام یمن» بود که شخصاً کشور را اداره می‌کرد. از سال ۱۹۶۲، حکومت یمن به جمهوری تبدیل شد. در این سال عبدالناصر با استقرار شصت هزار نیروی مصری در یمن، حکومت را از زیدی‌ها گرفت و به طرفداران خود سپرد. ژنرال علی عبدالله صالح الاحمر پس از کودتا رئیس جمهور یمن شد که اکنون خلع شده است.

در ۱۰ سال اولیه پس از اتحاد یمن، فضای بازی ایجاد شد که الحوثی‌ها با حکومت متحد بودند. اما بعد از سال ۲۰۰۰، گروهی سیاسی از جوانان زیدی تشکیل شد که «الحق» نامیده می‌شد. «جوانان مومن»، در سال ۲۰۰۳ در طول دیدار علی عبدالله صالح رئیس جمهور یمن از مناطق شمالی اعتراضاتی را ترتیب دادند و برای اعتراض به حمله امریکا به عراق جلوی سفارت امریکا در صنعا مردم زیادی گردآمدند و آن‌ها را سازمان‌دهی کردند. سال بعد حکومت اقدام به دستگیری حسین الحوثی رهبری این گروه کرد و همین علت سبب قیام طرفدارانش شد.

زیدی‌ها تنها به ۵ امام از ۱۲ امام معتقد هستند و آن‌ها دنبال حق آخرین امام خود که آن را زید می‌دانند، هستند. اتفاقات یمن می‌تواند تنش‌های منطقه‌ای را خیلی شدیدتر کند. غرب را هم نگران می‌کند چون بی‌ثباتی بیش‌تر این کشور احتمال تبدیل شدن آن به پایگاهی برای انجام حمله در خارج از این کشور را بیش‌تر می‌کند.

از نظر سازمان‌های اطلاعاتی غربی، سطح توانائی فنی و ظرفیت فرمانطقه‌ای «القاعده در شبه‌جزیره عربستان» این گروه را به خطرناک‌ترین شاخه القاعده تبدیل کرده است. ایالات متحده مدت‌هاست که با همکاری دولت هادی، علیه این گروه در یمن عملیات نظامی انجام می‌دهد ولی سرنگونی او، دخالت امریکا را سخت‌تر کرده است. در عین حال درگیری میان حوثی‌ها و دولت هادی، بخشی از جنگ قدرت منطقه‌ای بین ایران و عربستان قلمداد می‌شود. ایران شیعه‌مذهب از حوثی‌ها حمایت می‌کند و عربستان، که با یمن مرز مشترک دارد، و کشورهای دیگر حوزه خلیج فارس قویا از هادی طرفداری می‌کنند.

یمن در بیش‌تر سال‌های قرن بیستم از دو کشور مجزا تشکیل شده بود: «جمهوری عربی یمن» در شمال و «جمهوری دموکراتیک مردمی یمن» در جنوب. این دو کشور در سال ۱۹۹۰ تصمیم گرفتند با یکدیگر متحد شوند و کشور «جمهوری یمن» را تاسیس کنند. ولی چندی نگذشت که جنوبی‌ها معترض اقدامات تبعیضانه سیاسی و اقتصادی دولت صنعا شدند و در جریان جنگ داخلی ۱۹۹۴ خواهان لغو اتحادیه شدند ولی شکست خوردند. بی‌ثباتی و جابه‌جائی جمعیتی، در کنار ضعف دولت، فساد، کاهش منابع و نبود زیرساخت‌های کافی از دلایل عدم توسعه فقیرترین کشور خاورمیانه بوده‌اند. تخمین زده می‌شود که حدوداً ۱۰ میلیون یمنی به خاطر بیکاری، گرانی مواد غذایی و خدمات اجتماعی محدود از ناامنی غذایی رنج می‌برند.

حقیقت این است که همه طرفین درگیر در جنگ داخلی سوریه، عراق، افغانستان، لیبی، یمن و... هر کدام به دنبال منافع اقتصادی، سیاسی، نظامی و استراتژیک خود هستند و هرگز دل‌شان به زیست و زندگی و امنیت دلخراش و تکان‌دهنده مردم این کشورها نمی‌سوزد. از این‌رو، طبیعی است که تأثیر و تجربه این وقایع هولناک این کشورها، مردم آزاده و همه نیروهای سیاسی و اجتماعی آزادی‌خواه، برابری‌طلب، عدالت‌جو و کمونیست همه کشورها را به این نتیجه منطقی برساند که به هیچ نیروی ارتجاعی ملی و مذهبی و حکومتی اعتماد نکنند به جز این که به قدرت مبارزاتی و همبستگی خودشان بر علیه ظلم و ستم و استثمار حکومت‌ها و سرنگونی حکومت‌های سرمایه‌داری مستبد و آدم‌کش، همچون حکومت اسلامی ایران، با هدف برقراری یک جامعه آزاد و برابر و انسانی، باور داشته باشند.

یکشنبه نهم فروردین [حمل] ۱۳۹۴ - بیست و نهم مارچ ۲۰۱۵